

# موسیقی، ریاضت است

سخنرانی سردبیر در بزرگداشت استاد پایور (شیراز)

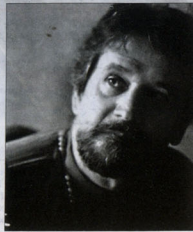


جلسه پرسش و پاسخ در شیراز

نورافشان همسه ی چراغ‌های خرد و کلان، شهرعقیق یی شبیه شیراز، شهر احمدین موسی، شاهچراغ. سلام چو بوی خوش آشنایی، بر شیراز و شیرازیان، شهر عشق و شور و غزل، شهر زندان دل‌پاک و بی‌پروایان سینه‌چاک، شهر غزل، شهر آراز، شهر حافظ شیراز. سلامی چو بوی خوش آشنایی، بر شهر شیخ سخن گستران، شهر کلام و گلستان، شهر باغ و بوستان، مُنت‌خدای راع و جل که در کنار تیشش با شکر اندریم، سخن از هنر و موسیقی است.

سلامی چو بوی خوش آشنایی، بر نظریه‌پردازان ملک موسیقی، بر قطب‌الدین شیرازی، صاحب آراء، فیلسوف مکتب اصالت آقایی، بر شهر خاندان هنرمندپرور وصال، شهر نوزندان وصال، شهر دآوری، فرزند شاعر وصال، شهر توخید، وصال شیرازی، خوشنویسی که تمام آبی میبار که ی توخید را برود روی که اندک ی پرنج خوشنویسی کرد. سلام بر شهر عرفان، آن صاحب ریاضتین که فرمود:

یا من هوائی قلم فرط نوره  
به نام نورافشانی که از شدت و ظهور  
نور، از دیده بهیجان است.



سعدی و چنیزی می شکند قلم در را  
تصدیق یی ورف و سکوت و وفودان  
بنده در شیراز، با تصنیفی به شعر  
خواجه، جسامتی نمودم، و ایامدارم  
و وفودان راه بر بنده بخشیدند.  
راهم در به شیراز و شعر از آرمایی  
مگر خواجه‌ام را کنت رهنمایی  
کلام من این بار افتاد جایی  
که سر از سران برده جای کلویی  
زدم زالی از آن کلام خدایی  
بدین پاسخ کرمشکل گشایی  
سلامی چو بوی خوش آشنایی  
بر آن مردم دیده‌ی روشنایی  
سلامی چو بوی خوش آشنایی، بر  
شهر سه‌لایه ی ولّ، شهر شاه شادان، شهر

سلام بر شهر استادان و دوستان و عزیزان قدیم، اکبر معانی، مدیر اسبق مجله سپید و سیاه، مرحوم زجاجی معلم همسه ی موسیقیان شیراز، یحیی مثاله که بخش سازنده ایم نوجوانی من در خاندان او سپری شد و از آرام‌نمی‌دانم کجا هستند، بر استادان و دوستان صورنگر، حمیدی، مازعی، تولی، بیژن سمندر و امامی و... و... و... بر شهر یکی از بهترین دوستان و شاگردان کیوان فرزین که سال‌ها از من می‌خواست به اتفاق به شیراز برویم، اما امروز او در تهران است و می‌خیر که من در شیراز هستم.

و در نهایت، سلام بر سرزمین پر اسرار جادویم، بر آن نظر موسیقی، با تکبیمای خاک میکده کحل بهتر کنیم.  
**دروزی چو نور دل پارسیان**  
**بدان شمع خورنگه پارسیان**  
دروید بر استادی گیانه، که امروز در عشق و موسیقی، بزرگداشت او را گرامی می‌داریم.

دروید بر استادی مسلم، که در تاریخ موسیقی می‌کشد صد سال اخیر، زمره ی چند شخصیت استثنایی که پیش از همه اثر از خود به یادگار نهاده‌اند.

دروید بر هنرموزی که بیشترین ساعت از ساعت عمر را به تدریس و پرورش شاگردان اختصاص داده است. درود بر صاحب سبکی که سازی سهل و ممتنع همچون سنتور را بعد از سماع حضور و حسیب سماعی، سر و ممانی بخشد، و با مضرب‌های او بود که دیگر صاحبان ذوق شکفتند و امروز، این ساز پیش از هر ساز، نوازنده و هنرموز و هنرجو به خود اختصاص داده است.

دروید بر استادی که در مقایب و گرفتاری‌های دوستان و همکارانش در نمان به آنها رسیده است همه ما می‌دانیم که استاد، مشکلات دوستان و همکارانش را از مشکلات خود جدا نمی‌داند، یکی دو مورد را بنده شاهد بودم. یک خاطره کوچک می‌گویم. استاد بهاری نیاز به دآوری داشت، همان وقتی بود که گروه



سید اسدالله حسینی

استادان را تشکیل داده بودند. استاد به من تفنن کردند و ما آن دارویی استاد بهاری را تهیه کردیم و بنده خودم پریم در خیابان فلسطین (کاخ سپاس) در ساختمانی که استادان تهرین می‌کردند، تحویل دادم از این نمونه‌ها همه‌مان سرغ‌داریم.

و در نهایت، و به قول مرحوم استاد حسین تهرانی، درود به شمع جمع دوستان درود بر پیش کسوت عالم موسیقی، استاد عزیز و بزرگوارمان فرامرز پایور.  
**مرا گر تو بنگداری ای نفس طامع**  
**پس یادشمانی در گدایی**  
هنر ریاضت است و هنرمند ریاضت کش. بنده به همه آنان که ریاضت را در علوم کتابی می‌دانند و ریاضت کشی را تنها در گوشه ی مدرسه و در لایبای اوراق عربی و فارسی جستجو می‌کنند، عرض می‌کنم که ما به مستعدترین اقبال‌الها فرصت می‌دهیم تا استاده گزین و کوشش‌های آمانده ی پذیرش هنر ناب موسیقی را با این سرفات آنگین عادت دهم و به باطل گشاییم. موسیقی در طلب قدیم ما جاری است. موسیقی،

دست می‌یابد چرا که در گدایی کسب سلطانی یافته و اینگونه کسی کی نظر بر گردش کردون دون برون است.

هنر ریاضت است و هنرمند ریاضت کش. هنر موجب تعالی روح است، متأسفانه در شرایط امروز هنر موسیقی غریبانه به حیات خود ادامه می‌دهد. موسیقی در کشور ما متأسفانه مهجور است. بنده به جزات می‌گویم که بالاترین وسیله ارتباط جمعی کشور، درباره موسیقی ما جفا کرده است. تاریخ هرگز فراموش نخواهد کرد که گوئی گروهی مسئولان که موسیقی ما را به فقرا همگی در هنر فزندان اغتای روح نوسط هنر موسیقی یکداندند. نظامی این خلاق سخن بیننده چگونه پرده‌های زیبایی از موسیقی نقاشی کرده است.

بیننده خدایه وقتی از نای و کامنجه می‌گوید، استخوان ای همه، می‌آید و به هر حال دوستان امروز وقت آن است که با استفاده صحیح از موسیقی، این هنر اول جهانی، بهترین بهره را ببریم. جنبه های سازندگی این هنر را پیش از پیش باید بگویم. هنری که امروز در سراسر ایران بدین بدیده اعتقاد و احترام می‌گیرند، صداها و هوارها هنرموز و هنرجو و پیرو و وفادارند. کسرتوازی‌های دنیا به پژوهش و تحقیق و تدریس و فراگیری و تجربه استودو می‌پردازند، این هنر از نمی‌توان به راحتی به کناری نهاد.

در نهایت ایاموری دست‌اندرکاران و سیاست‌مدارهای کشورمان که برای پیشرفت هنرها، طرح و برنامه می‌یزند به این هنر تاثیرگذار، را دیده عنایت بیشتر بکنند و

روین صالح

درمان‌کننده است. موسیقی درمانی امروز شیوه‌ای از موسیقی است. چند روز پیش از مرکز کودکان نارسا به دفتر نشریه آمده بودمده و آماری به ما دادند که حکایت از تاثیر موسیقی می‌کرد. در تغذیه و حیات این بچه‌های نازنین.

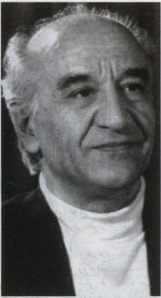
موسیقی در عرفان ما جریست. سرتاسر حیات مولانا مشحون از موسیقی است. بیننده مولانا از دف و ریاب و نای و سماع و دربارهای آنها چه می‌گوید. مولانا از صدا و بانگ ریاب آواز صریز باب بهشت را می‌شنود. آلف نثار ریاب مبین ارواح است به آلف الله.

بیننده مولانا در تغزلات ریایی خود چه کرده است. می‌گوید: چنانکه ابر سگای کل و گلستان است ریاب فوف ضمیمت و ساقی آلیاب بیننده حافظ چه می‌گوید. حافظ با موسیقی چه کرده و از موسیقی چه گفته است. بیننده قرآن ما درباره صوت خوب چه می‌گوید.

من به شما بگویم خداوند هیچ سفیر و پیشخیمبری ارسال نفرموده مگر آنکه خوش صوت بوده است. ادبیات ما، ادبای ما، شعرای ما، هنرمندان گزینش‌ها هنری ما از هنر فزندان اغتای روح نوسط هنر موسیقی یکداندند. نظامی این خلاق سخن بیننده چگونه پرده‌های زیبایی از موسیقی نقاشی کرده است.

بیننده خدایه وقتی از نای و کامنجه می‌گوید، استخوان ای همه، می‌آید و به هر حال دوستان امروز وقت آن است که با استفاده صحیح از موسیقی، این هنر اول جهانی، بهترین بهره را ببریم. جنبه های سازندگی این هنر را پیش از پیش باید بگویم. هنری که امروز در سراسر ایران بدین بدیده اعتقاد و احترام می‌گیرند، صداها و هوارها هنرموز و هنرجو و پیرو و وفادارند. کسرتوازی‌های دنیا به پژوهش و تحقیق و تدریس و فراگیری و تجربه استودو می‌پردازند، این هنر از نمی‌توان به راحتی به کناری نهاد.

در نهایت ایاموری دست‌اندرکاران و سیاست‌مدارهای کشورمان که برای پیشرفت هنرها، طرح و برنامه می‌یزند به این هنر تاثیرگذار، را دیده عنایت بیشتر بکنند و



جبهه ای مثبت و سازنده ای آن را در نظر آرند و شکوه این هنر ناب ایران و ایرانی را در کنار عرفان راستین ما به دنیا عرضه نمایند.

**دل خسته من گشک منشی هست  
نخواهد ترسین دلان مویابی**

اینجاست که پیر چنگی مولانا هم دواي درد و مویابی خویش را از خدای خلق می خواهد، اگر از نادمانی می گوید، از نواختن، برای خلق بی خبر است، نه برای آن موسیقی که برای خدای خلق می نواخته و به توسط آن بنده ای خاص و محترم شده و از سوی حق برایش ایرش هم بهایی رسیده است، هنرمند بی نیاز است به پادامه آمد که بگویم در یکی از سفرهای خارج کشور، سفیر ایران از استاد پاپور خواست تا برای خانواده کارمندان سفارتستان برنامه بگذراند، استاد اجابت کرد، وقت خصمانه سفیر مستند استاد را گشود و سه گاهایی خاص و به رسم تعارف و معلول به استاد داد، خاتم سرلک برای من گفتند که، چهره استاد از خشم برافروخته، دست سفیر را در مقابل همه حضاار باز کرد و سکه ها را در کیف دست او گذاشت و گفت که سکه های شما نواخته اند، هنرمندان ایرانی، دل مغرب نیستند شما سکه هایان را برای دیگر خرج کنید و در راه بازگشت به من گفتند خاتم سرلک را که به تهران گزارش کردند، بگویند آری من چنین کرده ام که هم می بارانند مرگ ساله ای نیست، بگذارد این گونه برخوردها در آینده باب شود.

**ز کوی مغان رخ گردان که آنجا  
فرودند مفاخ مشکل گشایی**

بزرگداشت استاد پاپور است و بی نظریه ای از او به سر می شود. مشکلی داشتیم در محدوده سالن های ۱۳۳۳، در آن آن ملاقاتی در پی مشکل گشایی می کشتم، با خود گفتم کسی بهتر از استاد پاپور، اما از وقت ضیق او در تردید بودم که آیا می توانم این مشکل را دانشمند مجلس پارسیسم. وقتی مشکلم را با ایشان در میان نهادم، پای تدریس بود و کسب مطلب، ایشان در ساختن چادگان از ساعات تدریس در هنرستان مرا پاپیرت و در چند جلسه ای با نهایت صبوری به رفع مشکل من پرداخت، در

قرار ترجیح می دادیم، و گاهی روحیه سراندازی و بی هوشتی ما، استاد مقید به آداب را کلافه می کرد.

اگر بخوام خاطراتی از این دست بگویم وقت مجلس اقتضا نخواهد نمود. همین قدر بگویم از محدوده ۱۳۳۵.۶۶ (که تاریخ دقیق آن در نوشته های بنده هست) که برای اولین بار استاد را ملاقات نمودم در مورد کارهای هنری استاد گفته اند و نوشته اند و می دانیم و می دانید. از آن گذشته استادان ظریف و اسماعیلی تشریف دارند و شیبی و شیبی از بنده صلاحیت توضیح دارند. اما به طور کوتاه بگویم: سبک استاد را در نوازندگی، چیره دستی ایشان، اجزای سهل و متنوع در روی ساز و ویژگی های سبک او که در جمله پوست و انصال سر مضراب هایی که از سر دقت و مرین و ریاضت بر نواخته یک هنرمند گرفته تا آنچه در کار موسیقی شاهد آن بودیم سخن می گوید. اما از جهت رعایت بیان همه موضوع های مربوط به یک استاد موسیقی، اگر بخوامیم به این مطلب هم اشاره کنیم باید بگویم گروه پاپور از ویژگی های برخوردار بوده است که در هیچ گروهی شاهد آن نبوده ایم.

در آنچه به نام کار گروهی از گروه پاپور و به سرپرستی این استاد بزرگ دیده ایم و شنیده ایم چند ویژگی خاص خود را داشته است. رعایت و نگهداری و حفظ ریتم، حرکت فراز و فرودها و شیب و فرازهای خاص کارهای گروهی، رعایت ظن سربزخ و با از همه مهمتر کوب کوب سپاسی که در سازهای این گروه به صورت هم نواز و یکتواز هر دو، شاهد آن بودیم موجب این برتری است. کارهای گروهی استاد چه با گروه خودش که از نظر اجرای قطعات نامی شده دارای تکنیک عالی و نظم خاص موسیقی است و چه با گروه استادان که از حال شناخته شده از نوازندگی امثال استادان چون اشهرت و بهاری است از خصوصیات دیگر اوست که بنده در اینجا قصد ندارم بیش از این بدان بپردازم.

و اما خرفک گله ای دارم و اندک پیشهاده ای که اینگونه بزرگداشت ها را نباید محدود کرد. در بزرگداشت استادی که با استاد ما را می لرزاند به طوری که فرار را بر

خلف بوده و هست، و نه برای تمجید و تعریف، که عشق به استاد را نمی توان با هیچ عشقی از مغز دوست داشتن های غرب و احساس جامعه مقایسه نمود.

عشق و دلدادگی عرفان الهی الله را کنار بگذاریم، از میان عقله های معمول، عشق به استاد، حتی از علاقه به پدر فراتر می رود، و خوشا بر حال استادی که اینگونه شاگرد پرورند و خوشا به احوال شاگردانی که اینگونه به بار نشسته اند و نشر داده اند و در هنرهای تشکر می کنند از آقای افقه و از انجمن موسیقی و وزارت ارشاد و مراسم دست اندر کاران و برگزار کنندگان این مراسم بزرگداشت.

**می صوفی افکن کجا می فروشد**

که در تاپم از دست زهد زدی  
هر صاحب دلی به شیراز می آید، ذری می صوفی افکن است. مولانا نیز از زهد ربایی در هراس است.

**چنان از خم و زمر و نالیوس  
نمی ترسم که ز زهد ربایی**

حالا از شیرازیان می پرسم، میزبانان باذوق به من بگویند، می صوفی افکن کجا می فروشد.

پس باید همگی به سمت خانه حافظیه برویم و بگویم حافظا! باز اگر بزوی می ای هست ز بخانه اوست.  
می صوفی افکن از دست خواجه شیاز و بگریزم برای دوا و رفع بلا با خود به یادگار بپریم و به استادمان و برای سلامتی او تقدیم کنیم.

درخانه، دعا می کنیم، برای سلامتی استاد پاپور و از خداوند می خواهیم، مکن حافظ از بچور دوران شکایت چه دانی تو ای بنده کار خدایی  
تشکر می



مرتضی فرید

همه آنان که در مدت به سوی یگانگی رفتن پاپور به همراهش بوده اند.

ما از جناب صاحب ترفیظ و خانم صالح که ایشان هم در گروه پاپور سال ها خدمت کرده اند، منت داریم که هنوز فرزندان ما را با علاقمندی تمام می آموزند.

ما از جناب محمد اسماعیلی منت داریم، او که در مراحل انجام و عمل، حرف خود را زده و می زند و خلق معنوی او نیز بر ما پوشیده نیست. از ایشان بشکری می کنیم، از رحمت الهی بدبخی، از حسن ناهید، و از همه کسانی که در کنار استاد پاپور سال ها به موسیقی ما خدمت کرده اند.

ما از سعید ثابت، این شاگرد به حق و زحمت کشیده استاد پاپور تشکر می کنیم، من می دانم و بسیاری هم می دانند که آقای ثابت برای استادمان پاپور در حکم شاگردی هم علاقه رسیده اند. همه در وقت به کار هم علاقمندند و اگر اختلافی جزئی باشد، همچنان که در همه فصول در مراحل اجتهاد، تفاوت های قیمتی وجود دارد در این میان نیز مصداق پیدا می کند. اما همان طور که عرض کردم.

عنوان استاد موسیقی از او یاد می کنیم، نه تنها استاد ستور و نه تنها استاد انگناز و ردیف دان، داننده و صاحب تخصص در هر یک از رشته ها، که بر روی هم لقب استادی موسیقی را بر او می نهند، باید از وجود دیگر استادان و صاحبان آراء در رشته های دیگر موسیقی نیز یاد کنیم مراسم استفاده شود.

آیا در بزرگداشت امثال شهنازی، صبا، ویزی، تنها معدودی از افرادی که هم رشته به سرپرستی چند ویژگی خاص خود را داشته است.

رعایت و نگهداری و حفظ ریتم، حرکت فراز و فرودها و شیب و فرازهای خاص کارهای گروهی، رعایت ظن سربزخ و با از همه مهمتر کوب کوب سپاسی که در سازهای این گروه به صورت هم نواز و یکتواز هر دو، شاهد آن بودیم موجب این برتری است. کارهای گروهی استاد چه با گروه خودش که از نظر اجرای قطعات نامی شده دارای تکنیک عالی و نظم خاص موسیقی است و چه با گروه استادان که از حال شناخته شده از نوازندگی امثال استادان چون اشهرت و بهاری است از خصوصیات دیگر اوست که بنده در اینجا قصد ندارم بیش از این بدان بپردازم.

**خوشتر آن باشد که سر دلبران  
گفته آید در حدیث دیگران**  
سخنی درباری پاپور را از زبان همه ای  
اهل موسیقی باید شنید.  
ما منت داریم و تشکر می کنیم، از



گروه انجمن موسیقی شیراز به سرپرستی مسیح افقه